

ORIGINAL ARTICLE

Construction and Validation of the Hybrid Technology Model of Curriculum Indicators and Aesthetic Education (with Emphasis on Higher Education)

Mohamad Ardashiri¹ , Alireza faghihi ^{*2} , Mozhgan Mohamadi Naeeni³ 

1. Doctoral Student, Department of Educational Sciences, Curriculum Planning, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. Instructor, Educational Sciences and Counseling Department, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Correspondence:

Alireza Faghih

Email: faghihialireza@yahoo.com

Received: 10/Aug/2024

Accepted: 26/Oct/2024

How to cite:

Ardashiri, M. Faghihi, A & Mohamadi Naeeni, M. (2024). Construction and Validation of the Hybrid Technology Model of Curriculum Indicators and Aesthetic Education (with Emphasis on Higher Education). *Technology and Scholarship in Education*, 4 (3), 87-104.

ABSTRACT

Higher education is a key component in the educational system and human resource development in every country. The functioning of the education system is a tool for responding to the problems and needs of society. Since the higher education system has the important task of training specialized human resources, it is necessary to use appropriate, accurate, and systematic methods in the design, implementation, and evaluation of its activities. This research seeks to design and validate a model of integrating curriculum components and aesthetic education in higher education. The goal is to achieve components of aesthetics that can be used in the university curriculum alongside other curriculum components arising from the humanities. For this purpose, these components were extracted from the literature sources of curriculum studies, the views of experts in this field, as well as the views of experts in the field of art and aesthetics, using a qualitative and exploratory method. And after reaching a consensus and the possibility of their application by public universities in Khuzestan province in 1402, those components were used in the design of the proposed model, and then the proposed model was designed and validated. In this study, the t-test and Kendall's coefficient of agreement were used to determine the level of consensus among members. The research findings showed that art and aesthetics as a perspective and paradigm in the curriculum contain many components, inspirations, and elements. These components can be used in the design, development, and implementation of curricula, focusing on important curriculum components such as goals, content, methods and evaluation.

KEYWORDS

Curriculum Design, Higher Education, Aesthetics, Aesthetic Education, Integrated Model.



«مقاله پژوهشی»

ساخت و اعتباریابی مدل فناوری ترکیبی شاخص‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی

(با تأکید بر آموزش عالی)

محمد اردشیری^۱، علیرضا فقیهی^{۲*}، مژگان محمدی نایینی^۳

چکیده

در نظام آموزشی و توسعه نیروی انسانی آموزش عالی مؤلفه‌های کلیدی در هر کشوری محسوب می‌شود. عملکرد نظام آموزشی ابزاری برای پاسخ‌گویی به مشکلات و نیازهای جامعه است. نیازهای آموزشی ویژه در رده‌های مختلف سنی متفاوت است، که منطق ویژه فرایند آموزشی در آموزش عالی را تعیین می‌کند. از آنجا که نظام آموزش عالی وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی متخصص را بر عهده دارد، لازم است در طراحی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های آن از شیوه‌های مطلوب، دقیق و نظام‌مند استفاده شود. این پژوهش به دنبال طراحی و اعتباریابی الگوی تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی می‌باشد. هدف دست‌یابی به مؤلفه‌هایی از زیباشناختی است که می‌توان در کنار سایر مؤلفه‌های برنامه درسی برخاسته از حوزه علوم انسانی در برنامه درسی دانشگاه به کار گرفت. بدین‌منظور با روش کیفی و اکتشافی این مؤلفه‌ها از منابع ادبیات مطالعات برنامه درسی، دیدگاه صاحب‌نظران این رشته و همچنین دیدگاه صاحب‌نظران رشته هنر و زیباشناختی استخراج گردید و پس از اجماع نظر و امکان‌به‌کارگیری آنها توسط دانشگاه‌های دولتی سطح استان خوزستان در سال ۱۴۰۲، آن مؤلفه‌ها در طراحی الگوی پیشنهادی به کار گرفته شدند و در ادامه الگوی پیشنهادی طراحی و اعتباریابی گردید. در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضا، از آزمون تی و ضریب همبستگی کندال استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که هنر و زیباشناختی به‌عنوان یک چشم‌انداز و پارادایم در برنامه درسی، حاوی مؤلفه‌ها، الهامات و مؤلفه‌های زیادی است. این مؤلفه‌ها می‌توانند با محوریت مؤلفه‌های مهم برنامه درسی مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی به کار گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی

طراحی برنامه درسی، آموزش عالی، زیباشناختی، تربیت زیبایی‌شناختی، الگوی تلفیقی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. مربی، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

نویسنده مسئول:

علیرضا فقیهی

faghihialireza@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

استناد به این مقاله:

اردشیری، محمد؛ فقیهی، علیرضا و محمدی نایینی، مژگان. (۱۴۰۳). ساخت و اعتباریابی فناوری ترکیبی شاخص‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی (با تأکید بر آموزش عالی). فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت، ۴ (۳)، ۸۷-۱۰۴.

مقدمه

بشر در حال گذر از عصر اطلاعاتی به عصر مفهومی است. عصری که در آن تفکر تحلیلی، منطقی و خطی جای خود را به خلاقیت، تفکر هم‌زمان، همدلی، جستجو، خلق معنا و مفهوم خواهد داد. همان‌طور که جامعه اطلاعاتی، مهارت‌ها و دانش خود را جهت سازگاری با این دوران می‌طلبید (زارعی و همکاران، ۱۴۰۱)، عصر مفهومی نیز، توانایی‌ها و به گفته دانیل پینک، مهارت‌هایی همچون طراحی، داستان‌سرایی، هم‌نوایی، همدلی، بازی و معنا را می‌طلبد که حاوی تفکر و نگرشی به زندگی است که هم‌زمان، استعاری، زیباشناسی، زمینه‌ای و ترکیبی است (پینک، ۱۳۹۹). چالش‌های ناشی از تحولاتی همچون؛ جهانی‌شدن (ویلیامز و لی، ۲۰۱۵)؛ تضمین کیفیت (شفیع‌زاده، ۱۳۹۱)؛ خصوصی‌سازی (آنان داکریشن، ۲۰۰۶)؛ جمشیدی و زین‌آبادی، ۱۳۹۱، یادگیری مادام‌العمر (کناپر و کروپلی، ۲۰۰۰)؛ محمدی‌مهر و همکاران، ۱۳۹۰؛ فناوری (یوسفی، ۱۳۹۸)؛ و سن. کا، ۲۰۲۰؛ موضوعات برنامه درسی (پاک‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱) و همچنین تمرکز صرف بر یادگیری و تأکید بیش از حد بر به‌خاطر سپردن اطلاعات، از جمله چالش‌های مهم در نظام آموزشی و دانشگاه‌های معاصر می‌باشند که نظام آموزشی و دانشگاه‌های ایران نیز عاری از این چالش‌ها نیستند. تعلیم و تربیت عمومی ما اغلب استادان و دانشجویان را آموزش می‌دهند تا بخوانند، بنویسند، به‌طور تحلیلی تفکر کنند، شمارش بکنند، و به شیوه‌های متفاوتی به توانایی‌های خود دست یابند. اما چیزی که کمتر به آن توجه می‌کنیم، استعداد، خلاقیت، عواطف و احساسات و... می‌باشد؛ اگر بخواهیم به‌طور جامع، فراگیری را تربیت کنیم، بایستی تمام توانایی بالقوه وی را به نفع خود و پیشرفت جامعه پرورش دهیم. اما مانع اصلی انجام این کار، نداشتن سیستم تعلیم و تربیتی است که متمرکز روی ارتقا تمام مهارت‌های بالقوه بسیار ضروری وی باشد. به بیان دقیق‌تر، ما با تناقض در درون سیستم‌های استاندارد نظام آموزشی مواجه هستیم که

به دانش یک رشته خاص توجه دارد و به پرورش محققان خلاق و نوآور در آن حوزه می‌پردازد (معمدی، ۱۴۰۲). دانشگاه‌ها نیز به‌عنوان یک نهاد سطح برتر در حوزه تعلیم و تربیت به‌نوعی از این مسئله مستثنی نیستند. یکی از ابعاد مورد غفلت نظام‌های آموزشی، بعد عاطفی فراگیران می‌باشد. علی‌رغم اینکه هم فیلسوفان تعلیم و تربیت و هم متخصصان علوم تربیتی از جمله روانشناسان تربیتی و رشد، اهمیت این موضوع (توجه به بعد عاطفی فراگیر) را به شیوه‌های ممکن روشن ساخته‌اند ولی بازهم در عمل و هنگام برنامه‌ریزی درسی و آموزش این بعد را مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار داده‌اند. (خرازی و تلخاب، ۱۳۹۶). بی‌شک یکی از موضوعات بحث‌انگیز و مهم در این زمینه توجه برنامه درسی به تربیت زیباشناختی است. تربیت زیباشناختی یکی از موضوع‌های موردعلاقه و قابل‌ملاحظه در بحث‌های رایج نظام آموزشی است. تربیت زیباشناختی دارای کارکردها و پیامدهای فراوانی است، ازجمله تأثیر در رشد شناختی، بروز خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، کسب هویت فرهنگی، تأثیر در آموزش جوانان با نیازهای ویژه، رشد هیجانی و اجتماعی، تخلیه هیجانی، تنظیم و تعدیل عواطف و احساسات (تمنایی فر و همکاران، ۱۳۹۸). تقویت انگیزه‌های درونی، تقویت مهارت‌های فراشناخت (موسی پور، ۱۳۹۳)؛ ونالاین، ۲۰۱۲)، تعادل بخشی بین دنیای منطقی و دنیای احساس و... از طرفی تربیت زیباشناختی باعث کسب شایستگی در تدریس و عمل حرفه‌ای استاد (میرعارفین، ۱۳۹۸)، بهبود فضای اجتماعی و همکاری‌های مؤثر با دانشجویان (معمدی، ۱۴۰۲)، پیشرفت تحصیلی، تقویت تجربه تحول‌گرای زیبایی‌شناختی همچنین باعث رشد ارزش‌گذاری زیبایی‌شناسانه می‌شود. مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده درباره جایگاه تربیت زیباشناختی در نظام تعلیم و تربیت به‌ویژه دانشگاه حکایت از آن دارد که دانشجویان و اساتید آگاهی کافی در مورد تربیت هنری ندارند (تحویلیان، ۱۳۹۵). افزون بر این، در تربیت

زیباشناختی غفلت از بعد تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی باعث کاهش کیفیت کاری استاد و در نتیجه آموزش و یادگیری است (لرکیان، ۱۳۹۰). همچنین علی‌رغم تأثیرگذاری آن بر رشد همه‌جانبه فراگیران هم در برنامه درسی نظام دانشگاه و هم در اجرا، جایگاه مناسبی ندارد (طهماسب زاده، ۱۳۹۴). پژوهش‌های زیادی لزوم اصلاح برنامه درسی و گنجاندن تربیت زیباشناختی را در کنار رویکرد شناختی ضروری می‌دانند تا نقاط ضعف موجود در زمینه‌های مختلف مانند مدیریت و راهبری، تحقیق و توسعه (رضایی، ۱۳۹۲) برطرف گردد.

از پژوهش‌های خارجی مطرح‌شده، یافته‌های تحقیقات ونالاین (۲۰۱۲) نیز نشان می‌دهند که ارتباط هنر با تعلیم و تربیت از دیدگاه اجتماعی، فرهنگی، شناختی و پیشرفت تحصیلی قابل توجه است همچنین هنر کاربرد گسترده‌ای در دانشگاه می‌تواند داشته‌باشد. حتی یافته‌های فردت^۱ (۱۹۹۳) نیز به این موضوع اشاره داشته و ضرورت پرداختن جوانان به زیباشناختی را مطرح کرده است. این یافته‌ها زمینه اولیه برای پژوهش حاضر محسوب می‌شود که اگر هنر در کل جریان تعلیم و تربیت می‌تواند کارساز باشد چگونه می‌توان به آن جامه عمل پوشانید. از این رو در تحقیق فعلی سعی شده است به این موضوع پرداخته شود. بقیه پژوهش‌های خارجی نیز بر نقش هنر در پیشرفت تحصیلی سایر دروس پرداخته‌اند که این نیز بیانگر ضرورت بسط و گسترش جاری ساختن هنر و زیباشناختی در کل فرایند تعلیم و تربیت می‌باشد. بنابراین به نظر می‌آید خلأ پژوهشی در فناوری و ساخت شاخص‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی به شدت احساس می‌گردد. در این حوزه برای رسیدن به اهداف موردنظر در دانشگاه می‌بایست مفاهیمی چون نگرش زیباشناختی، زیست زیبایی شناسانه (زیست هنری)، سواد زیباشناختی و شایستگی زیباشناختی وارد ادبیات برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، مدیران، اساتید و دانشجویان در تمامی رشته‌ها و عرصه‌های دانشگاه قرار گیرد که هدف این پژوهش پوشش بخش‌هایی از این خلأ می‌باشد.

روش

در این پژوهش رویکرد آمیخته اکتشافی اختیار شد بدین شکل ابتدا در بخش کیفی با کمک روش زمینه‌ای طی سه مرحله کدگذاری (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) پس از جمع‌آوری و پیاده‌سازی اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پس از شناسایی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی به منظور افزایش دقت و صحت تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از دو ناظر بیرونی که بر پژوهش کیفی اشراف داشتند، استفاده شد. در بخش کمی نیز اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه درباره مؤلفه‌ها و الگوی تلفیقی تربیت زیبایی شناسی که مبتنی بر مطالعه ادبیات و مصاحبه با خبرگان بود، به روش دلفی حاصل شد. سپس الگوی مفهومی مناسب تلفیق برنامه درسی و مؤلفه‌های زیباشناختی در آموزش عالی از نظر صاحب‌نظران ترسیم گردید. درنهایت، پژوهش ضمن ارائه الگوی تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی، بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده، تناسب این الگو و مؤلفه‌های آن از نظر صاحب‌نظران بر اساس یک پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت و درنهایت این مطالعه به ارزیابی اعتبار الگو در آموزش عالی از طریق روش دلفی (بخش کمی) پرداخته‌است.

ابزارها

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضا، از آزمون تی و ضریب همبستگی کندال استفاده شد. ضریب همبستگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه همبستگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیئی یا فرد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به‌ویژه در مطالعات مربوط به «روایی میان داوران» مفید است. ضریب همبستگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای

قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند. مقدار این مقیاس هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است. «اشمیت»^۱ (۱۹۷۱) برای تصمیم‌گیری درباره توقف یا ادامه دوره‌های دلفی دو معیار آماری ارائه می‌کند. اولین معیار اتفاق نظری قوی میان اعضا است که بر اساس مقدار ضریب هماهنگی کندال تعیین می‌شود.

یافته‌ها

جدول ۱: مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مولفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و خبرگان برای عنصر هدف

مفاهیم	مقوله‌ها	مضامین
رعایت تناسب و انسجام بین اهداف برنامه درسی	اتصال اهداف به زیبایی‌های خلقت	انسجام و وحدت
	اهداف متعادل باشند	
	تعیین اهداف مبتنی بر تفاوت‌های فردی	
	لحاظ نمودن نتایج بیانگر و اهداف حل مسئله در کنار اهداف رفتاری	
	اهداف باز، کلی و انعطاف‌پذیر باشند	
	پرورش و هدایت میل زیبا جویی و زیبا گرایی دانشجویان	
پرورش خلاقیت و تفکر واگرا	پرورش قوه شهود	تخیل
	پرورش قوه خیال	
	ملموس سازی اهداف	
	تناسب اهداف با رشد زیباشناختی (حسی تصویری تخیلی)	
پرورش تفکر انتقادی	تفکر انتقادی	حسی
	توجه به وجه انسانی هنر یعنی نقش هنر در شکوفایی آدمی و پیشرفت ارتباطات انسانی و اجتماعی	
	توسعه عاطفه، نگرش و اخلاق دانشجویان نسبت به محیط زیست و مسائل جامعه بشری	
افزایش توان و قدرت بیانی افراد	قدرت بیان	آبراز

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مولفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه

صاحب‌نظران و خبرگان برای عنصر محتوا

مفاهیم	مقوله‌ها	مضمون‌ها
ملموس سازی محتوا با نشانه گرفتن قوه خیال	به کار گرفتن قوه تخیل	تجربیات
توجه به تخیل و تصور از طریق روش سازماندهی از انتزاعی به عینی و از کل به جز در موارد قابل اعمال	در محتوا	
تبیین وجه انسان گرایانه هنر با رویکرد سازماندهی چندرشته‌ای در همه دروس	رویکرد چند رشته‌ای	وحدت و انسجام
استفاده از رویکرد سازماندهی چندرشته‌ای جهت معرفی زیبایی‌ها در همه دروس		
تعادل محتوا از منظر توجه به حیطه‌های مختلف یادگیری	توجه به حیطه‌های مختلف یادگیری	
استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای چند فرهنگی در یادگیری	چندرسانه‌ای بودن آموزش	
پیش بینی فرصت تجارب دست اول برای دانشجویان	تجارب دسته اول	
توجه و تأکید بر میراث فرهنگی	تأکید بر میراث فرهنگی	
توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی		
همراهی فرم و محتوا در تولید اثر هنری	تولید اثر هنری	
توجه به ویژگی‌های جنسیتی دانشجویان	ویژگی‌های جنسیتی	
توجه به مسائل روزمره زندگی	مسائل روزمره	
استفاده از هنرشناس (کارشناس هنر) در تیم برنامه‌ریزی درسی	استفاده از کارشناس هنر	تجربیات
اهمیت دادن به اختیار و آزادی دانشجویان جهت رعایت تفاوت‌های فردی	توجه به تفاوت‌های فردی	
تأکید بر آموزش مشارکتی	یادگیری مشارکتی	
استفاده از قابلیت‌های همه رشته‌های هنری برای غنی سازی محتوا	غنی سازی محتوا از طریق رشته‌های هنری	
پیش بینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه تصویر، طرح و غیره از سوی دانشجویان	تقویت تفکر واگرا و خلاقیت در دانشجویان	
حمایت محتوا از دستیابی به تفکر واگرا و خلاقیت		
حمایت محتوا از توسعه نگرش و اخلاق زیست محیطی و اجتماعی	توسعه نگرش محیطی و بین‌المللی	
حمایت محتوا از توسعه دید جهانی و مسائل بین‌المللی		
حمایت محتوا از پرورش قدرت بیانی و تعاملی دانشجویان	پرورش قدرت بیان	

جدول ۳: مفاهیم و مقوله های استخراج شده بر مبنای مولفه های زیبایی شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه

صاحب نظران و خبرگان برای عنصر روش

مفاهیم	مقوله ها	مضمون ها
استفاده از قالب های دیداری برای محسوس سازی تدریس	استفاده از زیبایی ها	استفاده از اشعار مختلف مربوطه و زیبا خواندن آن در حین تدریس
	در تدریس	
	استفاده از اشعار	
	مختلف در موقعیت های خاص مکانی	
	تدریس به شکل مولتی مدیا	
پیش بینی و افزایش محیط های متغیر و چند رسانه ای و دیجیتالی	توجه به جنبه های مختلف زیبایی در فضای آموزشی	زیبا و شاداب سازی فضای فیزیکی، عاطفی و روانی اجتماعی با استفاده از قواعد زیباشناختی، روانشناسی رنگ ها، ارتباطات و غیره
	تأکید بر تولید	
	آراستگی ظاهر اساتید	
	ملاحظات ایام خاص	
	ملحوظ نمودن ساعات عملی بیشتر نسبت به ساعات نظری در اجرای برنامه درسی	
پیش بینی و استفاده از گالری های مخصوص رشته های مختلف درسی	توجه به جنبه های عملی دروس	پیش بینی و توجه بیشتر به مکان آزاد برای گفتگوی دانشجویان
	توجه به محصولات رشته های مختلف	
	گفتگوی آزاد	
	استفاده از موقعیت های طبیعی در تدریس	
	پرورش فضای سبز در دانشگاه	
پیش بینی برخی جلسات آموزشی آزاد و فوق برنامه برای حضور داوطلبانه	جلسات آموزشی داوطلبانه	استفاده از قابلیت ها و ابزارهای هنری در تدریس
	استفاده از ابزارهای هنری و روش های کارگاهی در تدریس	
	استفاده از اشعار مختلف مربوطه و زیبا خواندن آن در حین تدریس	
	استفاده از اشعار مختلف مربوطه و زیبا خواندن آن در حین تدریس	
	استفاده از اشعار مختلف مربوطه و زیبا خواندن آن در حین تدریس	

استفاده از روش‌های کارگاهی و مبتنی بر تجربه و فعالیت

تقویت هنر بیانی استاد		تقویت بیان و ذهن
استفاده از کدها و علائمی که بتوان قسمت ناخودآگاه ذهن یادگیرنده را تحریک و فعال نمود		
آگاهی	دادن آزادی به دانشجویان جهت تصمیم‌گیری درباره تغییر محیط فیزیکی	آزادی انتخاب محیط درسی
	آشنایی استادان با هنر و زیبایی‌شناختی و قابلیت‌های آن در تدریس	آگاهی اساتید از زیبایی‌شناختی در تدریس
آگاهی	آشنایی با مؤلفه‌های زیبایی در تولید اثر هنری	تولید اثر هنری زمینه یادگیری مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی

جدول ۴: مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مولفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و خبرگان برای عنصر ارزشیابی

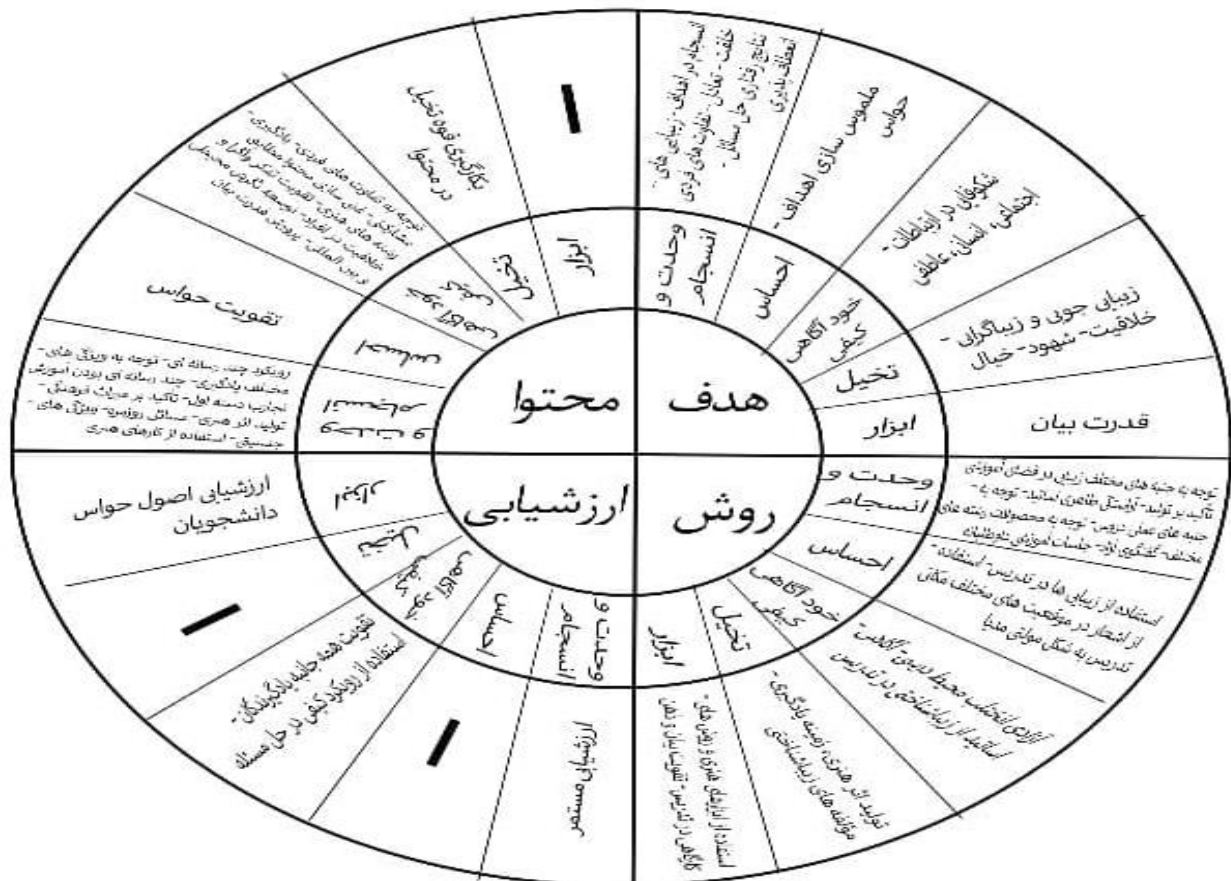
مفاهیم	مقوله‌ها	مضمون‌ها
آگاهی	تقویت امید، عزت نفس و خودپنداره مثبت در یادگیرندگان	تقویت همه جانبه یادگیرندگان
	استفاده از رویکرد کیفی، توصیفی و تفسیری	استفاده از رویکرد کیفی در حل مسئله
انجام و وحدت	توجه به راه حل‌های بدیع و بدیل یک مسئله	
	استفاده از ارزشیابی مستمر جهت زنده نگه‌داشتن رابطه دانشجو با استاد، دانشجو با درس و غیره	ارزشیابی مستمر
آگاهی	استفاده از ارزشیابی اصیل، باز و کل‌گرایانه براساس انواع حواس و اشکال گوناگون بازنمایی	ارزشیابی اصیل حواس دانشجویان

قرار گرفتن در مدل نهایی انتخاب شد؛ بنابراین مفاهیمی که از این ملاک‌ها برخوردار نبودند، از مدل نهایی حذف شدند. برخی از مفاهیم در سطح بالاتری از انتزاع قرار دارند یا اینکه دارای محتوای نزدیک به هم هستند بنابراین برای خلاصه‌سازی، این مفاهیم در یکدیگر ادغام شدند. برای مثال مفهوم علم زیبایی‌شناختی در سطح بالاتری از انتزاع، نسبت

مفاهیم اصلی از بین ۲۵۰ مفهوم استخراج شده بر اساس اصل تکرار، تأکید و میزان اهمیت (درک محقق و مبانی نظری) انتخاب شدند. به این معنی که برخی از مفاهیم توسط چندین مصاحبه‌شونده مورد توجه و تکرار قرار گرفته بود یا فرد خاصی روی مفهومی تأکید داشت یا با توجه بر اهمیت آن بر مبنای ادبیات پژوهش و نظر تشخیصی پژوهشگر، برای

مقوله، عنصر محتوا ۱۷ مقوله، عنصر روش ۱۶ مقوله و عنصر ارزشیابی ۴ مقوله استخراج شده است. برای تدوین برنامه درسی در ادبیات مطالعات برنامه درسی مولفه ها و اصول متعددی ذکر شده است اما نظر به هدف پژوهش در اینجا آن دسته از اصولی که برخاسته از مبانی زیبایی شناختی می باشد تلفیق یافته با مولفه های برنامه درسی می باشد ذکر می گردد و این اصول به همراه مبانی توصیف شده پایه و اساس اصول و معیارهای ارائه شده در تعیین ماهیت هر یک از عناصر برنامه درسی را تشکیل می دهد. بنابراین شکل زیر الگوی مفهومی مورد نظر که به بیان مولفه ها و اصول زیبایی شناختی تلفیق شده با مولفه های برنامه درسی می پردازد را نشان می دهد. (منبع نمودار: نویسندگان)

به مفاهیم انواع زیبایی، توانایی شناخت عناصر و کیفیت زیبایی و شیوه دیگری از شناخت جهان قرار دارد؛ از این رو از ادغام این مفاهیم مفهوم سواد زیبایی شناختی حاصل شد. با استفاده از نمادهای ایرانی اسلامی با زیبایی ظاهری استاد در قالب مفهوم زیبایی شناختی کالبدی مطرح شدند. پس از انجام تغییرات (حذف و ادغام) از میان ۲۵۰ مفهوم به دست آمده از مصاحبه ها، ۶۴ مفهوم نهایی و ۵۲ مقوله و ۵ مضمون برای الگوی تلفیقی مولفه های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی استخراج و انتخاب شد. از این مفاهیم و مقوله ها بخش قابل توجهی همسو با ادبیات پژوهش است و بخشی هم به ادبیات پژوهش افزوده شد. این مفاهیم در قالب ۴ عنصر برنامه درسی جای گرفتند. عنصر هدف ۱۵



عناصر الگوی مفهومی

۱-هدف

- ۱- پرورش تخیل؛ ۲- پرورش خلاقیت؛ ۳- پرورش قوه شهود؛ ۴- پرورش همه حواس پنج گانه؛ ۵- پرورش و هدایت زیباگرایی انسان؛ ۶- پرورش تفکر انتقادی؛ ۷- پرورش انواع سواد های رسانه ای؛ ۸- توجه ویژه به اهداف عاطفی و تلفیق

آن با اهداف شناختی و مهارتی؛ ۹- رعایت تناسب و انسجام بین اهداف؛ ۱۰- جذابیت اهداف؛ ۱۱- متعادل و متوازن بودن اهداف؛ ۱۲- کلی و قابل انعطاف بودن اهداف.

۲-محتوا

- ۱- تلفیق هنر و زیباشناختی با سایر دروس ۲- استفاده از قابلیت همه رشته های هنری جهت غنا بخشی به محتوا؛ ۳-

۴- ارزشیابی

۱- ارزشیابی اصول حواس دانشجویان، ۲- استفاده از رویکرد کیفی در حل مسئله، ۳- تقویت همه جانبه یادگیرندگان، ۴- ارزشیابی مستمر.

بعد از تدوین الگوی مفهومی پژوهش، توسط خبرگان و مطلعین کلیدی حوزه مورد پژوهش، مورد اعتبارسنجی و داوری علمی قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه ای مشتمل بر ۶ سؤال به شرح زیر؛ جهت اعتبارسنجی نظری الگوی مفهومی پژوهش تدوین شد و توسط خبرگان تکمیل گردید. در تحلیل پرسشنامه اهداف مورد نظر از طراحی پرسشنامه و سؤال‌های مدنظر بود که شامل محورهای مدل پیشنهادی و همچنین تأثیر حوزه‌های مختلف مدل بر یکدیگر و روابط پیشنهادی می‌باشد و نتایج حاصله از تحلیل پرسشنامه شامل تحلیل‌های مربوط به ساختار مدل می‌باشد.

سؤال اول: الگوی تلفیقی ارائه شده برای مولفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی تا چه میزان دارای جامعیت است (با توجه به همه شاخص‌ها)؟

نتایج مربوط به اعتبار جامعیت مدل در این قسمت ارائه شده و اعتباریابی این بخش بر اساس سؤال مربوطه مورد سنجش قرار گرفته است. از کل پانزده نفر پاسخ‌دهنده، تعداد ۱۲ نفر پاسخ مثبت و خیلی زیاد داده‌اند و تعداد ۳ نفر به گزینه زیاد بوده است رأی داده‌اند. در نتیجه درصد پاسخ‌های مثبت برابر ۸۰ درصد است.

توجه به میراث فرهنگی و سنن زیباشناختی؛ ۴- تبیین وجه انسان گرایانه هنر؛ ۵- معرفی زیبایی‌ها با رویکرد سازماندهی چندرشته‌ای در همه دروس؛ ۵- توجه به ویژگی‌های یادگیرندگان از منظر زیباشناختی و هنر؛ ۶- مشارکت دادن کارشناس هنر در فعالیتهای برنامه‌ریزی و تعیین محتوا ۷- برقراری شباهت بین پدیده‌های مختلف به ظاهر ناهمخوان؛ ۸- متعادل بودن؛ ۹- پیش بینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه طرح، تصویر و غیره از سوی دانش‌آموز؛ ۱۰- توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی؛ ۱۱- تحریک و به کارگیری ترکیبی از حواس پنج‌گانه.

۳- روش

۱- توجه به جنبه‌های مختلف زیبایی در فضای آموزشی، ۲- استفاده از زیبایی‌ها در تدریس، ۳- آزادی انتخاب محیط دیدن، ۴- آگاهی اساتید از زیبایی‌شناختی در تدریس، ۵- استفاده از ابزار هنری و روش‌های کارگاهی در تدریس، ۶- تقویت بیان و ذهن. ۷- زیبا و شاداب سازی فضای فیزیکی و حتی عاطفی با استفاده از قواعد زیباشناختی، روانشناسی رنگ‌ها و ارتباطات؛ ۸- سازماندهی فضاهای یادگیری براساس حوزه‌های یادگیری؛ ۹- پیش بینی فضاهایی (واقعی و مجازی) برای فعالیت آزاد دانشجویان و مشارکت آنان در تغییر محیط.

جدول شماره (۱): میزان جامعیت الگو

فاصله اطمینان ۹۵٪	تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	جامعیت مدل
بالا	پایین				
۴/۰۳	۳/۵۷	۳/۸	۱۴	۳۵/۵۴۶	

نظر که مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از جامعیت برخوردار است، از نظر خبرگان تایید می‌شود.

جهت بررسی جامعیت مدل از نظر خبرگان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵، میزان t به دست آمده برابر با ۳۵/۵۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است بر این اساس این اظهار

سؤال دوم: الگوی تلفیقی ارائه شده برای مولفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی تا چه حد منحصر به فرد است (تخصیص هر شاخص به مولفه)؟

نتایج مربوط به منحصر به فرد بودن مدل در این قسمت ارائه شده و اعتبار این بخش بر اساس سؤال مربوطه مورد سنجش قرار گرفته است. از کل پانزده نفر پاسخ دهنده، تعداد ۱۱ نفر پاسخ مثبت و خیلی زیاد داده‌اند و تعداد ۴ نفر به گزینه زیاد بوده است رأی داده‌اند. در نتیجه درصد پاسخ‌های مثبت برابر ۷۳ درصد است.

جدول ۲: میزان منحصر به فرد بودن الگو

فاصله اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	منحصر به فرد بودن مدل
بالا	پایین					
۳/۹۹	۳/۴۸	۳/۷۳۳	<۰/۰۰۱	۱۴	۳۱/۵۸۸	

جهت بررسی منحصر به فرد بودن مدل مدیریت دانش از نظر خبرگان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵، میزان t به دست آمده برابر با ۳۱/۵۸ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ < است بر این اساس این اظهار نظر که مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از ویژگی منحصر به فرد بودن برخوردار است، از نظر خبرگان تایید می‌شود.

سؤال سوم: الگوی تلفیقی ارائه شده برای مولفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی تا چه حد دارای

جدول ۳: میزان انسجام و یکنواختی داخلی الگو

فاصله اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	انسجام و یکنواختی
بالا	پایین					
۳/۹۵	۳/۶۷	۳/۵۶	<۰/۰۰۱	۱۴	۲۱/۲۵۸	

جهت بررسی انسجام و یکنواختی مدل مدیریت دانش از نظر خبرگان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵، میزان t به دست آمده برابر با ۲۱/۲۵ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ < است بر این اساس این اظهار نظر که مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از ویژگی انسجام و یکنواختی برخوردار است، از نظر خبرگان تایید می‌شود.

سؤال چهارم: تا چه میزان الگوی تلفیقی ارائه شده برای مولفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی دارای ویژگی ایجاز گرایی است و در آن نام گذاری (نام شاخص منظور و مفهوم را منتقل می‌کند) را رعایت کرده است؟

نتایج مربوط به ایجاز گرایی مدل در این قسمت ارائه شده و اعتبار این بخش بر اساس سؤال مربوطه مورد سنجش قرار گرفته است. از کل پانزده نفر پاسخ دهنده، تعداد ۸ نفر

پاسخ مثبت و خیلی زیاد داده‌اند و تعداد ۷ نفر به گزینه زیاد بوده است رأی داده‌اند. در نتیجه درصد پاسخ‌های مثبت برابر ۵۳ درصد است.

جدول ۴: میزان ایجاز گرایي الگو

و یکنواختی	t	df	سطح معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					پایین	بالا
انسجام	۲۶/۵۲	۱۴	<۰/۰۰۱	۳/۵۳۳	۳/۲۵	۳/۸۲

نتایج مربوط به متناسب بودن مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی با مشخصات نظام آموزش عالی، در این قسمت ارائه شده و اعتبار این بخش بر اساس سؤال مربوطه مورد سنجش قرار گرفته است. از کل پانزده نفر پاسخ‌دهنده، تعداد ۱۰ نفر پاسخ مثبت و خیلی زیاد داده‌اند و تعداد ۵ نفر به گزینه زیاد بوده است رأی داده‌اند. در نتیجه درصد پاسخ‌های مثبت برابر ۶۶ درصد است.

جهت بررسی نظر خبرگان در خصوص ویژگی ایجاز‌گرایی مدل مدیریت دانش، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵، میزان t بدست آمده برابر با ۲۶/۵۲ و سطح معناداری برابر با <۰/۰۰۱ است بر این اساس این اظهار نظر که مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از ویژگی ایجاز‌گرایی برخوردار است، از نظر خبرگان تایید می‌شود.

سؤال پنجم: تا چه میزان الگوی تلفیقی ارائه شده برای مولفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی متناسب با اهداف نظام آموزش عالی کشور می‌باشد؟

جدول ۵: میزان تناسب الگو با اهداف نظام آموزش عالی کشور

تناسب با نظام کلان	t	df	سطح معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					پایین	بالا
آموزش عالی	۲۹/۱۰۳	۱۴	<۰/۰۰۱	۳/۶۶۷	۳/۴۰	۳/۹۴

سؤال ششم: تا چه میزان الگوی تلفیقی ارائه شده برای مولفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی متناسب با نیازهای فعلی و چشم‌انداز دانشگاه‌های ایران می‌باشد؟

نتایج مربوط به متناسب بودن مدل تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی با چشم‌اندازها و نیازهای فعلی دانشگاه‌ها، در این قسمت ارائه شده و اعتبار این بخش بر اساس سؤال مربوطه مورد سنجش قرار گرفته است. از کل پانزده نفر پاسخ‌دهنده، تعداد ۱۲ نفر پاسخ مثبت

جهت بررسی تناسب مدل مدیریت دانش از نظر خبرگان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵، میزان t به دست آمده برابر با ۲۹/۱۰ و سطح معناداری برابر با <۰/۰۰۱ است بر این اساس این اظهار نظر که مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از ویژگی تناسب اهداف با نظام آموزش عالی کشور هدف برخوردار است، از نظر خبرگان تایید می‌شود.

و خیلی زیاد داده‌اند و تعداد ۳ نفر به گزینه زیاد بوده است
رأی داده‌اند. در نتیجه درصد پاسخ‌های مثبت برابر ۸۰ درصد
است.

جدول ۶: میزان تناسب الگو با نیازهای فعلی و چشم‌انداز دانشگاه‌های ایران

فاصله اطمینان ۹۵٪	تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	تناسب با نیازهای فعلی	بالاتر	پایین
۴/۰۳	۳/۵۷	۳/۸	۱۴	۳۵/۵۴۶	دانشگاه‌ها		

جهت بررسی نظر خبرگان در خصوص ویژگی تناسب مدل تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی با نیازهای فعلی و چشم‌انداز دانشگاه‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵، میزان t به دست آمده برابر با ۳۵/۴۶ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ است بر این اساس این اظهار نظر که مدل تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از ویژگی تناسب با وضعیت فعلی و چشم‌انداز دانشگاه‌ها برخوردار است، از نظر خبرگان تایید می‌شود.

نتایج به دست آمده از اجرای پرسشنامه شش سؤالی جهت اعتباریابی نظری مدل به این گونه است که با توجه به داده‌های حاصل از پرسشنامه و همچنین تحلیل حاصل از آن همه سؤالات و داده‌ها مورد تایید خبرگان می‌باشد. بر این اساس مدل تلفیقی ارائه شده برای مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از اعتبار برخوردار بوده و می‌تواند به عنوان مبنایی برای طراحی مدل تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی به کار گرفته شود.

نتایج دور اول روش دلفی

پرسشنامه دور اول دلفی شامل ۵ بخش وحدت و انسجام، تخیل، احساس، خودآگاهی کیفی، و ابزار بود که به ۲۰ نفر از اعضای پانل تحویل داده شد. در بخش اول پرسشنامه دور اول دلفی، لیستی از مولفه‌های تربیت زیبایی‌شناختی از منظر برنامه درسی در آموزش عالی بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته، پژوهش‌های پیشین و مبانی نظری استخراج

شده بود، ارائه گردید. در این بخش، پاسخگو نظر خود را درباره میزان نقش هر یک از مولفه‌ها در تربیت زیبایی‌شناختی از منظر برنامه درسی، با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام کرد. این گزینه‌ها در قالب طیف لیکرت و شامل «تأثیر بسیار کم: ۱»، «تأثیر کم: ۲»، «تأثیر متوسط: ۳»، «تأثیر زیاد: ۴»، و «تأثیر بسیار زیاد: ۵» بوده است. نتایج مرتبط با بخش اول پرسشنامه دور اول دلفی که شامل مواردی مانند تعداد پاسخ‌ها برای هر گونه، میانگین پاسخ‌ها، انحراف معیار آنها، عدد کندال، ترتیب اهمیت هر عامل بر اساس عدد کندال و میانگین پاسخ‌ها و درصد اعضای که ترتیب هر عامل را مانند ترتیب گروه تعیین کرده‌اند، درج شده است.

خروجی نهایی دور اول دلفی نشان داد که در بعد هدف، محتوا، روش و ارزشیابی دارای اهمیت بسیار بالایی هستند و نقش اساسی در همه مولفه‌های برنامه درسی دارند. لازم به ذکر است که تمامی شاخص‌های مربوط به این ابعاد، دارای میانگین بالاتر از حد متوسط و همچنین دارای ضریب کندال مناسب هستند. بنابراین در دور اول دلفی، هیچ شاخصی حذف نشود.

نتایج دور دوم دلفی

پرسشنامه دور دوم دلفی همانند پرسشنامه دور اول که شامل ۵ بخش وحدت و انسجام، تخیل، احساس، خودآگاهی کیفی، و ابزار بود، به ۱۷ نفر اعضای پانل که در دور اول مشارکت داشتند، تحویل، تکمیل و جمع آوری شد. در بخش دوم تکنیک دلفی، همانند پرسشنامه دور اول دلفی، لیستی از مولفه‌های تربیت زیبایی‌شناختی از منظر برنامه

درسی در آموزش عالی بر مبنای اولویت بندی شاخص‌ها توسط متخصصان تدوین شد و در قالب پرسشنامه تنظیم گردید. همچنین شاخص‌هایی که در دور اول دلفی حذف شدند، در دور دوم از پرسشنامه حذف شدند. نتایج مرتبط با دور دوم دلفی نیز همانند دور اول به ترتیب اهمیت هر عامل و همچنین ضریب کندال مناسب درج شدند. خروجی نهایی دور دوم دلفی نیز نشان داد که در همان ابعاد به ترتیب میانگین و ضریب کندال، دارای اهمیت بسیار بالایی شدند. لازم به ذکر است که تمامی شاخص‌های مربوط به همه ابعاد، دارای میانگین بالاتر از حد متوسط و همچنین دارای ضریب کندال مناسب بودند. بنابراین در دور دوم دلفی، هیچ شاخصی حذف نشد.

نتیجه‌گیری و بحث

با گسترش روزافزون تکنولوژی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییرات چشمگیری در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت نیز رخ داده و دانشگاه‌ها همگام با این پیشرفت‌ها در حال بروز کردن شیوه‌های آموزشی خود هستند (افتخاری و شمسی، ۱۴۰۲). تمام عناصر آموزش از جمله راهبردهای یاددهی - یادگیری، محتوا، معلم و شیوه‌های ارزیابی و فضا و زمان ابزارهایی هست که به واسطه اهداف آموزشی اهمیت پیدا می‌کنند (منصوری و منفرد، ۱۴۰۲). تربیت زیبایی‌شناختی نیز یکی از همین عناصر می‌باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که هنر و زیباشناختی به عنوان یک چشم‌انداز و پارادایم در برنامه درسی، حاوی مؤلفه‌ها، الهامات و مؤلفه‌های زیادی است. این مؤلفه‌ها می‌توانند با محوریت مؤلفه‌های مهم برنامه درسی مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی به کار گرفته شوند. چشم‌انداز زیباشناختی در برنامه درسی به دنبال تزریق ویژگی‌های مفید و جذاب عالم هنر به برنامه‌های درسی است که شرکای برنامه درسی نیز همانند هنرمندان در کنار فعالیت‌های خود به لذت زیباشناسانه دست یابند. منظور از شرکای برنامه درسی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان درسی، استادان و مجریان برنامه درسی و

یادگیرندگان هستند که برای هر کدام از آن‌ها می‌توان رهنمودهایی از یافته‌های پژوهش به دست آورد زیرا از آنجا که نتیجه این پژوهش، ارائه یک الگوی مفهومی برنامه درسی مبتنی بر زیباشناختی برای دانشگاه‌های استان خوزستان بود مؤلفه‌های ارائه شده در الگو را می‌توان از دو منظر مورد توجه قرار داد اول در طراحی و تدوین یک برنامه درسی مبتنی بر زیباشناختی و دوم در اجرای هنرمندانه و زیباشناسانه برنامه درسی. این مؤلفه‌ها با نتایج پژوهش‌های معتمدی (۱۴۰۲)، میرعارفین (۱۳۹۸)، تحویلیان (۱۳۹۵)، زارعی و همکاران (۱۴۰۱)، ویلیامز و لی (۲۰۱۵)، پاک‌مهر و همکاران، (۱۳۹۱) و محمدی‌مهر و همکاران (۱۳۹۰) همسو و مورد تأکید قرار گرفتند.

برای رسیدن به شایستگی‌های حرفه‌ای استادی لازم است علاوه بر شایستگی‌های انسان شناسانه، فردانندی و فراشناختی که رضایی (۱۳۹۷)، به آن اشاره می‌کند؛ می‌بایست شایستگی زیباشناختی را هم به شایستگی‌های ضروری همه اساتید در همه مقاطع افزود و حتی درمجموع فرایندها و عوامل و عناصر نرم‌افزاری (برنامه درسی) و سخت‌افزاری (فضاها و تجهیزات) آموزش عالی نیز مدنظر قرار داد. شایستگی‌های زیباشناختی معلم به او و دانشجویانش می‌آموزد تا در مقابل انبوه اطلاعاتی که به خوبی از عناصر زیباشناختی برخوردارند چگونه و چه واکنشی نشان دهند؟ و چگونه نگرش زیباشناختی را گسترش دهند (معتمدی، ۱۴۰۲).

محور بودن تربیت زیباشناختی در آموزش، اساتید و دانشجویان را به قلمروهای عمیق احساس و معنی ارجاع می‌دهد (تحویلیان، ۱۳۹۵) و به آنها روشن‌بینی بیشتری می‌بخشد. یافته‌های پژوهش نشان داد برای شناسایی یک روش مناسب که به دنبال آن بتوان سایر عناصر را سامان داد، می‌بایست از رویکرد تلفیق برنامه‌ها بهره گرفت. تربیت زیباشناختی در نظام آموزش عالی، فرصت بسیار مناسبی را برای نقش‌آفرینی رویکرد تلفیق برنامه‌های درسی با زیباشناختی ایجاد می‌نماید. در این رویکرد امکان مرتبط ساختن تجربه‌های زیباشناختی با تجارب واقعی زندگی

فراهم می‌آید. البته این در اینجا احتیاج به اساتیدی مجرب و آموزش دیده دارد، تا با درک درست از رشته خود و شکل ابزاری آن، بیشترین فایده را برساند (زارعی، ۱۴۰۱).

بر اساس منطق این مدل زیباشناختی را می‌توان در همه ابعاد و مؤلفه‌ها و عناصر برنامه درسی تزریق نمود (موسی‌پور، ۱۳۹۸). البته در امر تربیت و آموزش یکی از مبانی دانشی موردنیاز اساتید برای موفقیت در امر آموزش و پژوهش، دانش زیباشناختی است (طهماسب‌زاده، ۱۳۹۴). دانش زیباشناختی به استاد و دانشجو کمک می‌کند تا نسبت به تجلیات زیبایی شناسانه در قالب‌های مختلف مانند آثار بصری، موسیقایی، نمایشی، ادبی و... شناخت، فهم، توانایی تفسیر و ارزیابی پیدا کنند. خرازی و تلخاب (۱۳۹۶)، تدریس را به‌عنوان هنر تغییر مغز در نظر می‌گیرند. اصولی که در تربیت زیباشناختی معرفی شدند از یک جهت مبتنی بر مبانی و رویکرد و اهداف هستند و از سویی دیگر بر هدف، محتوا، منابع، روش و حتی ارزشیابی اثر می‌گذارند. دانشگاه‌ها می‌بایست در قالب دروس مختلف به‌ویژه درس‌های مرتبط با تربیت زیباشناختی آگاهی لازم را در رابطه با مؤلفه‌های آن به دانشجویان ارائه بدهد (پاک‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱).

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران چون طراحی و تدوین برنامه درسی و اجرای برنامه درسی در دو محیط جداگانه و توسط افراد گوناگون انجام می‌شود (محمدی‌مهر و همکاران، ۱۳۹۰) از این منظر برخی مؤلفه‌ها به طراحی و تدوین و برخی به اجرای برنامه درسی مبتنی بر زیباشناختی مربوط می‌شوند. مؤلفه‌های اهداف، محتوا و روش در طراحی و تدوین کاربرد داشته لذا کنشگران سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی می‌توانند از آنها بهره گرفته تا برنامه درسی زیباشناسانه گونه تولید نمایند. دسته دوم بر اجرای هنرمندانه برنامه درسی دلالت دارند. نظر به وجه زیباشناسانه و هنری تربیت، تدریس، استادی و خلاصه اجرای برنامه درسی، مؤلفه‌های عناصر استاد، فعالیت‌های یادگیری، گروه‌بندی، فضا، زمان و ارزشیابی بر ایفای نقش هنرمندانه کنشگران اجرای برنامه

درسی تأکید می‌کنند. نکته دیگر اینکه این تفکیک به‌گونه‌ای نیست که بیان کنیم تمام مؤلفه‌های گروه اول صرفاً در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی و مؤلفه‌های گروه دوم نیز فقط در سطح اجرا قابل استفاده می‌باشند بلکه برخی مؤلفه‌های گروه اول مانند هدایت زیبا گرایی انسان، پرورش تخیل، خلاقیت و شهود که در تعیین هدف مورد اشاره قرار گرفته‌اند اگر در سطح اجرا نسبت به تحقق آنها اقدامی نشود رعایت آنها صرفاً در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی کاری عبث خواهد بود و به اهداف عقیم تبدیل خواهند شد. برخی مؤلفه‌های گروه دوم (سطح اجرا) نیز نظیر در نظر گرفتن زمان غیر تجویزی، توجه به رویکرد کیفی در ارزشیابی به‌جهت تصمیم‌گیری و نظام متمرکز برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی در ایران مستلزم توجه و قابل‌پذیرش بودن آن از سوی کنشگران سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، اصول قیدشده در الگوی پیشنهادی خود بیانگر آن است که این مؤلفه در اکثر عناصر برنامه درسی کاربرد دارند زیرا اصول برنامه درسی مواردی هستند که منحصر به یک عنصر یا چند عنصر محدود نبوده بلکه در بیشتر عناصر قابل به‌کارگیری هستند. در نتیجه با یک نگاه سیستمی اقدامات عاملان این سطوح بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند.

موضوع قابل تأمل دیگر، شرایط موردنیاز برای به‌کارگیری الگوی پیشنهادی است. برای استفاده از یافته‌های الگوی پیشنهادی لازم است کلیه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان در حوزه آموزش عالی، مدیران و استادان آشنایی لازم و همچنین نگرش مطلوبی نسبت به رویکرد آموزشی و پژوهشی از طریق هنر و زیباشناختی یا برنامه درسی مبتنی بر زیباشناختی داشته‌باشند. به عبارت دیگر اشاعه مناسبی درباره نحوه اجرای رویکرد یا برنامه درسی مذکور صورت پذیرد. البته این امر نیازمند بسط مطالعاتی در زمینه پارادیم زیباشناختی می‌باشد زیرا یکی از محدودیت‌هایی که در ادامه مطرح خواهد شد این است که حتی صاحب‌نظران مطالعات برنامه درسی و رؤسای دانشگاه‌ها و حتی تصمیم‌گیرندگان

اصلی خصوصاً شورای انقلاب فرهنگی نیز با چگونگی این رویکرد از طریق هنر و زیباشناختی آشنایی مطلوبی ندارند و دانش آنان شاید بیشتر درباره آموزش زیباشناختی می‌باشد. این امر ضرورت توسعه سواد بین‌رشته‌ای را نیز یادآوری می‌نماید از این‌رو گسترش مطالعات درباره چشم‌انداز زیباشناختی می‌تواند جهت دستیابی به بصیرت کافی در این زمینه کمک نماید تا با منابع غنی علمی بتوان به اشاعه چشم‌انداز مذکور بین عاملان اجرایی برنامه درسی پرداخت زیرا در صورت اشاعه مناسب و مستدل است که نگرش مناسب در عاملان اجرایی ایجاد می‌گردد و نگرش مناسب نیز خود مقدمه اقدامات لازم برای به کارگیری مؤلفه‌های زیباشناختی خواهد بود.

دومین موضوع درباره شرایط موردنیاز برای کاربرد مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی، ارتقا دروسی که بتوان جایگاه زیباشناختی و آثار آن را در دانشگاه‌ها خصوصاً در ارتباط با رفتار آموزشی دانشجویان دانشگاه دید. به‌خاطر ماهیت الگوی پیشنهادی، استاد می‌تواند در تدریس هنرمندانه و همچنین به کارگیری مؤلفه‌های زیباشناختی در انتقال مواد آموزشی موفق عمل نماید چراکه زیباشناختی و مؤلفه‌های آن می‌توانند کانال ارتباطی بین مواد آموزشی و اهداف آموزشی را به یادگیری اثربخش‌تری تبدیل کند، همچنین در این ارتباط به سایر استادان نیز کمک نماید. ساهاسرابود (۲۰۰۵) در این باره می‌گوید: تجربه در زیباشناختی می‌تواند آموزش جوانان را به‌طور ویژه از طریق رشد مهارت‌های تفکر سطح بالا ارتقا بخشد. اکثر مطالعات انجام شده پیرامون موفقیت‌ها نشان می‌دهند که فهرستی از ظرفیت‌های شناختی، نگرش‌ها و گرایش‌ها از قبیل تخیل، خلاقیت و توانایی تفکر انتقادی در آنها وجود دارند که از یادگیری در هنرهای بصری، رقص، نمایش و موسیقی به‌دست آمده‌اند و همچنین در این مطالعات ذکر شده که ظرفیت‌های شناختی مذکور (تخیل، و غیره) توانایی‌های دیگری نظیر تمرکز انرژی، تمرکز ادراک، انعکاس، انعطاف‌پذیری، تغییر مسیر، کشف احتمالات و امکان‌های جدید و ساختن ایده‌ها را تقویت می‌کنند.

موضوع دیگر درباره شرایط موردنیاز برای به کارگیری الگو، آشنایی و مهارت‌آموزی دانشجو استادان در زمینه استفاده از زیباشناختی و مؤلفه‌های آن در تعلیم و تربیت می‌باشد به‌طوری‌که در آغاز کسوت استادی با رویکرد آموزش از طریق الهام گرفتن از مؤلفه‌های زیباشناختی آشنا شوند که این آشنایی می‌تواند در قالب برنامه درسی و فوق برنامه دانشگاه اتفاق بیفتد. چگونگی تدریس و تربیت هنرمندانه جزئی از برنامه درسی تجربه شده آنان در دوران دانشجویی باشد زیرا چنین تجاربی خود، انگیزه و اعتمادبه‌نفس و مهارت لازم را در آنان بارور خواهد ساخت. نکته آخر در مورد اعتبار الگوی مفهومی این پژوهش است. الگوی مفهومی از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌های سطح استان خوزستان معتبر تشخیص داده شد و اصلاحات لازم نیز بر اساس نظرات آنان در الگو انجام شد. اما نباید تلقی کرد هر آنچه که این پژوهش به‌دست آورده کامل و درست است بلکه باید اذعان نمود محدودیت‌ها ممکن است منجر به ارائه برخی مطالب ناصواب گردند از این‌رو لازم است در آینده با تحقیقات بیشتری، پارادایم زیباشناختی در برنامه درسی توسعه یافته و غنی گردد.

پیشنهادهات

مدرسین و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها ضمن داشتن نگرش زیباشناختی به فرایند تدریس، می‌بایست مهارت لازم را برای به خدمت گرفتن خرده مهارت‌های زیبایی شناسانه کسب نمایند. این خرده مهارت‌ها که با برنامه‌های آموزشی زیبایی شناسانه قرابت دارد؛ عبارت‌اند از:

- ❖ انسجام در تدریس،
- ❖ خط خوانا و زیبا،
- ❖ لحن مناسب،
- ❖ روحیه نوآوری،
- ❖ شوخ طبعی و طنز،
- ❖ ضرب‌المثل،
- ❖ توجه به قابلیت‌های سازندگی ذهنی، عملیاتی و اکتشافی فراگیران،

- ❖ برانگیختن عاطفه، احساس و هیجان با بهره گیری از شعر، موسیقی، نمایش و قصه،
 - ❖ تأکید بر انگیزه های درونی با تدارک تجارب یادگیری زیباشناختی،
 - ❖ برگزاری کارگاه های کوچک کلاسی،
 - ❖ بهره مندی از تانی و تأمل و شگفتی.
- شفیع زاده، حمید. (۱۳۹۱). مقایسه تضمین کیفیت از طریق تجهیز امکانات آموزشی در مؤسسات آموزش عالی پیام نور، آزاد و غیرانتفاعی. *فصلنامه مهارت های روانشناسی تربیتی*، ۹(۳)، ۸۵-۹۸.
- طهماسب زاده شیخلار، داوود، و علم الهدی، جمیله. (۱۳۹۴). تربیت زیبایی شناسختی: رهیافتی جامع برای چالش های برنامه درسی. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- کرمی، غلامحسین، عابدی، محسن. (۲۰۱۷). نگاهی به ابعاد و کارکردهای تربیتی هنر. *نشریه علمی رویش روانشناسی*، ۶(۲)، ۱۸۸-۱۶۹.

منابع

- لرکیان، مرجان. (۱۳۸۹). *طراحی و اعتبار بخشی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دانشگاه های*. تهران: دانشگاه طباطبائی، رساله دوره دکتری.
- معمدی، اعظم. (۱۴۰۲). نقش زیباشناسی در تدریس و یادگیری: یک مطالعه فرا ترکیب. *پژوهش در مطالعات برنامه درسی*، ۳(۱)، ۷۴-۹۱.
- منصوری، سیروس و منفرد، افشین. (۱۴۰۲). ارزشیابی فرایند یاددهی-یادگیری آموزش های مجازی مبتنی بر الگوی تایلر در مدارس ابتدایی استان فارس. *فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت*، ۳(۴)، ۵۷-۶۴. doi: 10.30473/t-edu.2024.70713.1134
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درس های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و هفتم، شماره ۱، بهار ۹۰.
- موسی پور، نعمت الله. (۱۳۹۱). *جزوه درسی برنامه ریزی درسی دانشگاه های*، دوره دکتری، دانشگاه طباطبائی.
- موسی پور، نعمت الله. (۱۳۹۲). *درباره روش تدریس دانشگاهی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- والانس، الیزابت. (۱۳۸۸). *پژوهش زیباشناسانه: نقد هنر*. ترجمه محمود مهرمحمدی. مندرج در *روش شناسی مطالعات برنامه درسی اثر ادموند سی شورت ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران*. تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، حجت، شمسی، عرفان. (۱۴۰۲). واکاوی تجارب زیسته دانشجویان دانشگاه فرهنگیان از سامانه مدیریت یادگیری الکترونیکی (LMS) دانشگاه فرهنگیان. *فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت*، ۳(۳)، ۳۷-۵۲. doi: 10.30473/t-edu.2024.70386.1120
- پاک مهر، حمیده؛ جعفری ثانی، حسین؛ سعیدی رضوانی، محمود و کارشکی، حسین. (۱۳۹۱). نقش کیفیت تدریس اساتید و مؤلفه های آن در توسعه تفکر انتقادی دانشجویان: فرصت ها و چالش های برنامه درسی در آموزش عالی. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۹(۱۶)، ۱۸-۳۶.
- تحویلیان، حسین. (۱۳۹۵). ارزیابی نیاز دانشجو معلمان رشته ابتدایی دانشگاه فرهنگیان (پردیس های شهر اصفهان) به آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۲(۴)، ۵۱-۶۸.
- خرازی، سیدکمال؛ تلخابی، محمود. (۱۳۹۶). مبانی آموزش و پرورش شناختی، تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، منیره. (۱۳۹۲). *تربیت هنری در نظام آموزشی ایران*. فصلنامه *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۴(۲۲)، ۷-۲۹.
- زارعی، سمیه؛ نادری بنی، ناهید و زارعی متین، حسن. (۱۴۰۱). مدل رهبری آموزشی مبتنی بر زیبایی شناسی در نظام آموزش عالی (مورد مطالعه: دانشگاه های دولتی ایران). *مدیریت سازمان های دولتی*، ۱۰(۲)، ۱۴۲-۱۲۳.

Anandakrishnan, M. (2006). Privatization of higher education: Opportunities and anomalies. Privatization and commercialization of higher education'organized by NIEPA.

Arrowsmithe. William. (1971). Film as educator. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicaco, London.

Fredett, Barbara W. (1993). Aesthetics for the 21st century: Another challenge for education. Included Verbo-Visual Literacy: Understanding

and applying new educational communication media technologies. Selected readings from the symposium of the international visual literacy Association (Delphi, Greece, Jun 1993).

Jamshidi, L & Zeinabadi, H.R. (2012). Privatization of Public Higher Education and Skill Training: Case Study of University of Applied Science and Technology. *Journal of Skill Training*, 1(1), 33-48. (In Persian)

Knapper, C & Cropley, A. J. (2000). Lifelong learning in higher education. *Psychology Press*.

Koivunen, N & Rehn, A. (2009). Creativity and

- the contemporary economy. Copenhagen Business School Press *DK*.
- Mir Arafin, Fateme Sadat, Mehromhammadi, Mahmoud, Ali Asgari, Majid, Haji Hosseinnejad, Gholamreza. (2018). Designing and validating the curriculum of the "aesthetic approach to teaching" course in teacher training. *Curriculum Studies*, 14(54), 116-79.
- Mohammadimehr, M. Malaki, H. Abbaspour, A & khoshdel, A. (2012). Investigation Necessary Competencies for Life Long Learning in Medical Students. *Iranian Journal of Medical Education*, 11(8), 961-975. (In Persian)
- Pink, Daniel H. (2021). Moving from the Information Age to the Conceptual Age. Translated by Reza Amir Rahimi. Tehran, *Agah Publications*. Print Series. (In Persian)
- Sahasrabudhe, Prabhe. (2005). Design for learning Through the Arts: Minstraming art education in the school curriculum. included at: Education for Creativity, Bringing the arts and culture into Asian Education. Published by *UNESCO*.
- San, K. N. S. S & Ni, k. M. (2020). Aesthetic leadership and teacher morale in basic education high schools. *J.Myanmar Acad. Arts SCi. XVIII* (9A), 137-150.
- Smite, A. Ralph. (1971a). Justifying aesthetics education. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, *Chicaco, London*.
- Tamnai Far, Mohammad Reza. (2009). *A reflection on the functions of artistic education in the educational system*. The growth of art education, 8th period, 2nd issue, winter 89.
- Venalainen, Paivi. (2012). Contemporary Art as a Learning Experience. The 5th Intercultural Arts Education Conference: *Design Learning*. Available at: www.sciencedirect.com
- Williams, R. D & Lee, A. (Eds.). (2015). internationalizing higher education: Critical collaborations across the curriculum. *Sense Publishers*.
- Yousefi Boroujerdi, S. Rajaipour, S & Abedi, A. (2020). Designing the synergistic leadership model for universities of Iran based on grounded theory. *MEO*, 8(2), 47-82. (In Persian)